

The Effect of the Lack of an Ordoliberal Strong State on the Emergence and Dynamics of the Resource Curse Phenomenon: Selected Countries of the MENA Region

Seyed Aqil Hoseiny¹  | Alireza Raanaei² 

¹. Assistant Professor of Economics, Faculty of Literature and Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran (Corresponding Author), Email: aqil.hoseiny@yu.ac.ir, (ORCID: 0000-0001-8666-3208)

². PhD Candidate in Economics, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz, Iran, Email: a.raanaei@gmail.com, (ORCID: 0009-0008-2187-6550)

Article Info.	ABSTRACT
Article type: Research Article	Resource Curse is one of the challenging economic issues that have been studied in many researches. However, the researches conducted in this field suffer from three shortcomings: First, they do not provide a specific and well accepted criterion to measure resource curse. Second, there is not any consensus on what is the effect of natural resource revenues. Finally, the third is that the theoretical foundations of the political economy that can support the results of quantitative estimates in this field have not been used. The current research has tried to solve these shortcomings by using the idea of a strong state by German ordoliberalism as well as two methods of stochastic frontier analysis (SFA) and the quantile model. By using the method of stochastic frontier analysis, the existence of resource curse, and the quantile method, its dynamics can be shown. The results show that natural resource revenues cause changes in the two basic functions of a strong state, namely "effectiveness" and "regulation": these revenues reduce the effectiveness of the government and weaken the quality of government regulation. As a result, the "Rent leverage" has prevented the realization of the strong state and helps the formation and continuation of a weak government in countries with natural resource revenues.
Article history: Received: 20-11-2023 Received in revised: 24-02-2024 Accepted: 11-03-2024 Published Online: 12-03-2024	
Keywords: Strong State, Ordoliberalism, Resource Curse, State Effectiveness, Regulation.	
JEL: H1, O38, P00, Q00.	

Cite this article: Hosseini, S.A. & Raanaei, A. (2023). The Effect of the Lack of an Ordoliberal Strong State on the Emergence and Dynamics of the Resource Curse Phenomenon: Selected Countries of the MENA Region. *Journal of Economics and Modelling*, 14 (2), 91-123. DOI: 10.48308/jem.2024.233861.1877



تأثیر فقدان دولت قوی اردولبرالی در ظهور و پویایی پدیده نفرین منابع:

کشورهای منتخب منطقه منا

سید عقیل حسینی*^۱ | علیرضا رعنائی^۲

^۱ استادیار گروه اقتصاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، رایانامه: aqil.hoseiny@yu.ac.ir (شناسه ارکید: 0000-0001-8666-3208)

^۲ دانشجوی دکتری اقتصاد پولی بخش اقتصاد دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، رایانامه: a.raanaei@gmail.com (شناسه ارکید: 0009-0008-2187-6550)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	نفرین منابع از جمله موضوعات چالش‌برانگیز اقتصادی است که پژوهش‌های گوناگونی در باب آن صورت گرفته است. با این حال ادبیات تحقیق در این حوزه از سه خلاً رنج می‌برد: نخست این‌که معیار متقن اجماع‌آور برای نفرین منابع وجود ندارد، به‌گونه‌ای که ادبیات تحقیق مملو از شاخص‌های گوناگون جهت سنجش نفرین منابع است. دوم این‌که نتایج پژوهش‌ها بعضاً متناقض است. بدین شکل که در شرایط یکسان، برخی پژوهش‌ها وجود نفرین منابع و برخی دیگر عدم وجود آن را گزارش داده‌اند. در نهایت این‌که نتایج برآوردهای کمی در این حوزه غالباً بدون ارجاع به یک پشتوانه نظری مرتبط با اقتصاد سیاسی تحلیل می‌شوند. پژوهش حاضر تلاش کرده است با استفاده از ایده دولت قوی (صورت‌بندی‌شده توسط اردولبرال‌های آلمانی) خلاً سوم، و با تکیه بر روش تحلیل مرزی تصادفی خلاً اول، و الگوی کوانتایل خلاً دوم را برطرف سازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که درآمدهای منابع طبیعی باعث تغییر در دو کارکرد اساسی دولت قوی یعنی «کارآمدی» و «تنظیم‌گری» می‌شود: این درآمدها کارآمدی دولت را کاهش و کیفیت تنظیم‌گری دولت‌ها را تضعیف می‌کند. در نتیجه «هرم رانتی» مانع از تحقق دولت قوی و شکل‌گیری و تداوم نوعی دولت ضعیف در کشورهای با درآمدهای منابع طبیعی شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲	
واژه‌های کلیدی: دولت قوی، اردولبرالیسم، نفرین منابع، تنظیم‌گری، کارآمدی دولت.	
طبقه‌بندی JEL: H1, O38, P00, Q00	

استناد: حسینی، سید عقیل؛ رعنائی، علیرضا (۱۴۰۲). تأثیر فقدان دولت قوی اردولبرالی در ظهور و پویایی پدیده نفرین منابع: کشورهای منتخب منطقه منا. *اقتصاد و الگوسازی*، ۱۴(۲)، ۹۱-۱۲۳. DOI: 10.48308/jem.2024.233861.1877



۱. مقدمه

نفرین منابع، یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های پژوهشی در اقتصاد سیاسی است. در میان رویکردهای مختلف به نفرین منابع، می‌توان بیشترین سهم را به رویکرد تحلیل نهادی داد (بادیب و دیگران^۱، ۲۰۱۷الف). رواج ادبیات نهادی در اقتصاد سیاسی از یک سو و امکان مقایسه تطبیقی میان نمونه‌های مطالعاتی از سوی دیگر باعث شده است که این ادبیات در تحلیل نفرین منابع نیز از اقبال خاصی برخوردار شود. پرسش اصلی در نفرین منابع این است که «چرا کشورهای دارای منابع طبیعی عظیم به رشد و توسعه اقتصادی دست نیافته و بالعکس مسیر فلاکت را پیش گرفته‌اند؟». تحلیل نهادی بی‌درنگ پاسخ می‌دهد که آنچه که نفرین یا موهبت بودن منابع طبیعی را تعیین می‌کند، کیفیت نهادهاست. اساساً باید به این نکته توجه داشت که در نگاه تحلیل نهادی تمام فعالیت‌های اقتصادی در شبکه‌ای از نهادها - اعم از رسمی و غیررسمی - حک شده است، در نتیجه به تعبیر کارل (۱۹۹۷) سرنوشت کشورهای صادرکننده منابع طبیعی را نیز باید با توجه به بستر نهادی این کشورها درک کرد (کارل^۲، ۱۹۹۷ب).

علی‌رغم گستردگی ادبیات تحقیق نفرین منابع، اما این ادبیات در حال حاضر از سه نقصان رنج می‌برد:

۱. فقدان یک شاخص یا معیار جهت اندازه‌گیری نفرین منابع

۲. فقدان اجماع و اتفاق نظر در یافته‌ها و نتایج پژوهش‌ها

۳. فقدان یک پشتوانه نظری حمایتی جهت تفسیر نتایج

در ادامه به اختصار سه نقصان فوق توضیح داده می‌شود.

۱. فقدان یک شاخص یا معیار جهت اندازه‌گیری نفرین منابع: نفرین منابع از جمله موضوعات اقتصاد سیاسی است که هم به لحاظ نظری و به لحاظ الگوسازی کمی از

^۱. Badeeb et al.

^۲. Karl

رونق خاصی برخوردار است. الگوهای اقتصادسنجی گوناگونی جهت آزمون صحت فرضیه‌های گوناگون در مورد وجود یا عدم وجود این پدیده طراحی شده‌اند. اما در اکثر این الگوها، صرفاً به برآزش متغیرها روی یکدیگر و استحصال یک برآورد معین جهت تفسیر این پدیده اکتفا نموده‌اند. در نتیجه الگو و روشی مورد نیاز است که با کمک آن بتوان شاخصی را برآورد کرد که میزان ظهور نفرین منابع را نشان دهد.

۲. *فقدان/اجماع و اتفاق نظر در یافته‌ها و نتایج پژوهش‌ها*: فقدان اتفاق نظر در ادبیات پژوهش نه یک ضعف بلکه یک نقطه قوت ضروری به حساب می‌آید. با این حال توافق بر برخی اصول ابتدایی و نتایج قطعی لازمی هر ادبیات تحقیقی است. علی‌رغم همگرایی چارچوب نظری نفرین منابع به سوی تحلیل نهادی، اما این ادبیات تحقیق از فقدان یک اجماع و اتفاق نظر گسترده رنج می‌برد. یافته‌های پژوهش‌ها در این ادبیات تحقیق به شدت متفاوت و متناقض است. بخشی از این تفاوت‌ها و تناقض‌ها به روش‌شناسی و شناسایی پارامترهای اثرگذار برمی‌گردد که در بخش قبلی توضیح داده شد و برخی هم به ماهیت خود پدیده نفرین منابع که پویایی آن یکنواخت نبوده و در طول زمان ممکن است تغییر کند. به عنوان مثال، درآمدهای نفتی در ایران هرچند ممکن است منجر به تشدید ناکارآمدی نهادی شده باشد و یا آن‌چنان که باید به رشد و توسعه یاری نرسانده باشد، اما به تعبیر کاتوزیان (۱۳۹۵) همین درآمدهای نفتی در بهبود و توسعه بسیاری از زیرساخت‌ها مثرثمر بوده است (کاتوزیان، ۱۳۹۵). بدین ترتیب، می‌بایست الگوی را طراحی کرد تا با کمک آن نوسانات و پویایی‌های نامتقارن نفرین منابع را بررسی کرد.

۳. *فقدان یک پشتوانه نظری حمایتی جهت تفسیر نتایج*: امروزه حوزه‌های مختلفی در علم اقتصاد بر ضرورت توجه به اهمیت نهادها در تحلیل‌ها تأکید دارند. این اقبال به استفاده از نهادها در تحلیل‌های اقتصادی باعث عمومی شدن تحلیل نهادی شده و امروزه دیگر به‌کارگیری نهادها در تحلیل‌های اقتصادی منحصر به مکتب نهادگرایی نیست، بلکه «نهاد» به یک پارامتر مهم در تحلیل، فراتر از مکتب نهادگرایی تبدیل شده است.

به عبارت دیگر، امروزه اگر کسی اصطلاح «نهاد» را به کار گیرد، الزماً به عنوان نهادگرا شناخته نمی‌شود. این امر به خودی‌خود مسئله‌ساز نیست و بسته به زمینه تحلیل، نهادها می‌توانند غنای تحلیل را افزایش دهند. اما مسئله زمانی ایجاد می‌شود که بخواهیم تحلیل نهادها را در زمینه‌ای به کار بگیریم که از سنخ موضوعات اقتصاد سیاسی یا موضوعات مربوط به نهادگرایی است. در این حالت، نمی‌توان به پس‌زمینه و پیشینه نظری‌ای که نهاد در درون آن بالیدن گرفته است بی‌توجه بود. عدم توجه به پس‌زمینه نظری تحلیل نهادی و اتکای صرف به نتایج تخمین باعث شده است، تفاسیر ضد و نقیضی از نتایج تحقیق به دست آید. علاوه‌براین به لحاظ پشتوانه نظری، نهادگرایان خود نیز به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند، که بسته به اتخاذ هر یک از رویکردها، ممکن است نتایج تحقیق دگرگون شود. در نتیجه یک پشتوانه نظری مورد نیاز است تا بر اساس آن بتوان تفسیر دقیقی از نتایج تخمین به دست آورد.

با برشمردن نواقص فوق، مقاله حاضر با ارائه راهکارهایی که در پی می‌آید، ضرورت پژوهش و نوآوری مستقل خود را اثبات می‌نماید. در این مقاله:

۱. جهت ارائه یک شاخص و معیار مشخص و قابل‌اندازه‌گیری از روش تحلیل مرزی تصادفی استفاده می‌شود.

۲. جهت سنجش پویایی نامتقارن که باعث عدم‌اتفاق نظر و پراکندگی گسترده‌ای در ادبیات تحقیق شده است، از روش کوانتایل استفاده می‌شود.

۳. جهت تقویت پشتیبانی نظری حمایتی از نتایج تخمین، از ایده «دولت قوی» منتسب به مکتب فرایبورگ (اردولیرالیسم) استفاده می‌شود.

کشورهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر، منتخبی از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا موسوم به کشورها منا (MENA) هستند. کشورهای مورد مطالعه متشکل از ایران، عربستان سعودی، قطر، امارات، بحرین، عراق، آنگولا، کنگو، الجزایر، گابن و عمان هستند. علاوه‌بر موقعیت استراتژیک و اهمیت ژئوپولیتیکی این منطقه، حضور و موقعیت

ایران، شباهت‌های نهادی و درآمدهای منابع طبیعی این کشورها از دلایل دیگری است که دست به این انتخاب زده‌ایم. وجود درآمدهای منابع طبیعی باعث شده است که این کشورها به شدت مستعد رفتارهای رانتی و دولت‌های استثمارگری باشند (کریستوپولوس و مک‌آدام^۱، ۲۰۱۵؛ نابل^۲، ۲۰۰۷). به تعبیر عجم‌اوغلو و رابینسون^۳ (۲۰۱۲)، وابستگی آنان به منابع طبیعی به حدی است که بدون این منابع، همه این کشورها فقیر خواهند شد. با توجه به در دسترس نبودن داده‌ها برای برخی کشورهای منتخب، یا مجبور به حذف متغیرهای موردنظر بودیم یا کنار گذاشتن کشور مربوطه و جایگزین کردن آن با یک کشور دیگر. به همین دلیل با توجه به اهمیت متغیرها و الگوی به‌کارگرفته‌شده رویکرد دوم را اتخاذ کردیم.

ساختار پژوهش به شرح ذیل است: در بخش دوم به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، در بخش سوم الگو و روش‌شناسی، در بخش چهارم برآورد و تحلیل نتایج و در نهایت در بخش پنجم نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲. مبانی نظری

با توجه به نکاتی که در مقدمه گفته شد، مقاله حاضر تمرکز خود را بر آن دسته از پژوهش‌هایی قرار می‌دهد که تبیین نهادی از نفرین منابع ارائه کرده‌اند، پژوهش‌هایی که معتقدند «نفرین منابع یک پدیده نهادی است» (دی‌مدیروس کوستا و دوسانتوس^۴، ۲۰۱۳، ص. ۷۸۹). با این حال مناسب است که قبل از پرداختن به این ادبیات تحقیق خاص، مروری هم بر ادبیات کلی نفرین منابع و سایر چارچوب‌های نظری که سعی در تحلیل نفرین منابع نموده‌اند، داشته باشیم.

1. Christopoulos & McAdam

2. Nabli

3. Acemoglu and Robinson

4. de Medeiros Costa & dos Santos

همان‌طور که در مقدمه گفته شد، در رابطه با اثر درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی نتایج متنوع و بعضاً متناقض به دست آمده است. تعدادی از اقتصاددانان معتقد هستند که منابع طبیعی لازمه رشد اقتصادی هستند (نورکس^۱، ۱۹۵۳؛ روستو و روستو^۲، ۱۹۹۰). از سوی دیگر گروهی از محققان این فرضیه که منابع طبیعی می‌تواند ضامن رشد اقتصادی شود را به دیده تردید نگریسته‌اند (آیوتی^۳، ۲۰۰۲؛ ساکس و وارنر^۴، ۱۹۹۵). به‌علاوه پژوهشگران با مقایسه کشورهای غنی و فقیر دریافتند که کشورهای دارای منابع طبیعی به نسبت رشد اقتصادی پایینی را تجربه کرده‌اند (بادیب و دیگران، ۲۰۱۷؛ هاگارد و تیده^۵، ۲۰۱۱؛ کارل، ۱۹۹۷؛ ساکس و وارنر، ۱۹۹۷). همچنین هاورنک و همکاران^۶ (۲۰۱۶) از طریق فرا-تحلیل و مطالعه ۴۳ نمونه نشان دادند که ۴۰ درصد مطالعات رابطه منابع طبیعی و رشد اقتصادی را منفی، ۴۰ درصد عدم ارتباط، و ۲۰ درصد این رابطه را مثبت یافته‌اند.

اگرچه وفور منابع طبیعی در برخی کشورها از جمله نروژ به ارتقای قدرت خرید از طریق افزایش ثروت انجامیده است (هولدن^۷، ۲۰۱۳)، اما اکثر پژوهشگران با تکیه بر چند دلیل منطقی نتیجه‌گیری کرده‌اند که بین رشد اقتصادی و منابع طبیعی ارتباط ایستا و منفی برقرار است (عبداللهی و همکاران، ۲۰۱۹). از جمله این دلایل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (۱) در برخی کشورها، استخراج منابع طبیعی بخش زیادی از منابع را درگیر می‌کند. درحالی که می‌توان همین منابع را در بخش‌هایی که در رشد اقتصادی نقش ویژه‌ای دارند به کار گرفت. (۲) ناطمینانی و نوسانات قیمت‌های بین‌المللی منابع طبیعی

¹. Nurkse

². Rostow & Rostow

³. Auty

⁴. Sachs & Warner

⁵. Hagard and Tiede

⁶. Havranek et al.

⁷. Holden

که منجر به بی‌ثباتی صادرات می‌شود. ۳) انتقال حداکثری توان و تمرکز به بخش خاصی که منابع طبیعی دارد و غفلت از پتانسیل سایر بخش‌ها. ۴) فساد و رانت برآمده از نهادهای نامطلوب که مانع رشد اقتصادی می‌شود. ۵) تنظیم‌گری و مقررات ناکارآمد که باعث توزیع نامناسب درآمد می‌شود (عبدالهی و همکاران، ۲۰۱۹؛ بویج و امری^۱، ۲۰۱۱؛ گیلفاسون^۲، ۲۰۰۶؛ جیمز، ۲۰۱۵؛ روی و دیگران^۳، ۲۰۱۳). به‌علاوه، مبنای نظری بیماری هلندی - که در بین سایر استدلال‌ها شهرت و محبوبیت بیشتری دارد- وفور منابع طبیعی را یک عامل تعیین‌کننده در رشد اقتصادی کشورها قلمداد کرده است (میرفندرسکی و همکاران، ۱۴۰۲؛ کاردن^۴، ۱۹۸۴). در نتیجه می‌توان چنین نتیجه گرفت که اجماع و توافق قطعی در مورد نقش منابع طبیعی در رشد اقتصادی وجود ندارد.

۱.۲ ایده دولت قوی

دولت قوی^۵ ایده‌ای متعلق به مکتب فرایبورگ (اردولیبیرالیسم) است که در راه بومی‌سازی لیبرالیسم در آلمان ظاهر گشت. اردولیبیرالیسم یکی از اثرگذارترین مکاتب فکری است که در نیمه اول قرن بیستم به صورت جدی در آلمان و خصوصاً دانشگاه فرایبورگ شکل گرفت و در ساختن آلمان پس از جنگ و «معجزه اقتصادی» آلمان از طریق ساختن نظام «اقتصاد بازار اجتماعی» نقش اصلی را ایفا نمودند. مهم‌ترین اندیشمندان این مکتب، اویکن، فرانتس بوهم، روپکه، و روستو بودند. یکی از اصلی‌ترین ایده‌های این مکتب، اعتقاد به «دولت قوی» بود (بونفلد^۶، ۲۰۱۷). دولت قوی برخلاف ایده لسه‌فر^۷ معتقد است که دولت با تنظیم‌گری و فراهم ساختن زیر ساخت‌ها و شرایط

1. Boyce & Emery

2. Gylfason

3. Roy et al.

4. Corden

5. Strong State

6. Bonefeld

7. Laissez-faire

لازم می‌تواند به تحقق بازار و نتایج کارا مدد برساند. در مکتب اردولیبالیسم «دولت قوی»، ایده‌ای است که هم علیه سوءاستفاده از قدرت بازار و هم علیه دولت‌گرایی افراطی می‌ایستد. بونفلد (۲۰۱۲) معتقد است که این سوءاستفاده از قدرت بازار و دولت‌گرایی ویژگی سرمایه‌داری غارتگر^۱ است (بونفلد، ۲۰۱۲).

اردولیبالیسم معتقد است که دولت نباید توان خود را صرف منازعات بیهوده پارلمانی بکند. دولت قوی دولتی است که خود را سیاست‌زدایی^۲ نموده، و وظیفه و کارکرد خود را «نگهبان نظم رقابتی»^۳ قرار می‌دهد. از این منظر، اردولیبالیسم خود را نه تنها در مقابل هر نوع جمع‌گرایی^۴ و مداخله‌گرایی (کمونیسم، سوسیال دموکراسی، کینزینیسم) بلکه در مقابل لیبرالیسم کلاسیک لسه‌فر تعریف کردند و قائل به «راه سوم» شدند که در آن دولت مشارکت فعال دارد اما نه در مقابل بازار بلکه ذیل بازار و با هدف صیانت از آن (فوکو^۵، ۲۰۰۸).

از منظر اردولیبالیسم، برخلاف لیبرال‌های کلاسیک، نظم رقابتی یک پدیده طبیعی نیست که خودبخود بوجود آید بلکه به تعبیر فرانتس بوهم، همچون درختی است که باید دائماً از آن صیانت و نگهداری شود (بوهم^۶، ۱۹۸۹؛ بوهم و همکاران، ۱۹۸۹). نظم رقابتی بازاری به یک دولت قوی در مقام یک باغبان نیاز دارد تا به زعم سیمس و اشناپدر^۷ (۲۰۱۴) از تشکیل گروه‌های قدرت (انحصارات، کارتل‌ها و اتحادیه‌های کارگری) در بازار جلوگیری کند و یک چارچوب نظام‌مند حقوقی برای رقابت عادلانه فراهم آورد.

یک دولت قوی به جای مداخله در رقابت، صرفاً برای تعیین شرایط چارچوب اقتصاد

1. Predatory Capitalism

2. De-Politicised

3. Custodian Of The 'Competition Order

4. Collectivism

5. Bonefeld

6. Böhm

7. Siems and Schnyder

بازار اجتماعی عمل نموده و به ارائه حمایت‌های نهادی مناسب، اصلاح شکست‌های بازار، جبران آسیب‌های عمده اجتماعی، مقابله با فشارهای دموکراتیک برای مداخله در بازارهای کارا می‌پردازد. به گفته ویلهلم راپکه: «باید یک دولت قوی، به دور از انبوهی از حریصان منفعت‌جوی شخصی در جامعه وجود داشته باشد» (راپکه^۱، ۱۹۵۸).

اویکن در مقاله «تحولات ساختاری دولت و بحران سرمایه‌داری» که در سال ۱۹۳۲ نوشته شده است و همچنان یکی از متون پایه‌ای و مبنایی اردولیبیرالیسم است نوعی دیدگاه پیرامون دولت ارائه می‌دهد که برای سال‌ها و دهه‌های آتی برای اندیشه اردولیبیرالیسم سازنده و الهام بخش بود. از دیدگاه اویکن هر جا شلاق رقابت^۲ در واقع کار خود را انجام می‌دهد، سرمایه‌داری مانند همیشه پویا و بدیع است. تز اصلی اویکن این است که عملکرد نامطلوب شلاق رقابت «هیچ ارتباطی با خود سرمایه‌داری ندارد، بلکه سازمان‌دهی خاصی از مردم در دولت و جامعه است که به طور جدی مانع عملکرد کارآمد مکانیسم سرمایه‌داری می‌شود و توسعه آن را محدود و یا حتی غیرممکن می‌سازد» (اویکن^۳، ۱۹۳۲، ص. ۵۵).

از منظر اردولیبیرال‌ها تنها دولت قوی می‌تواند از تجزیه و از هم پاشیدگی^۴ خود به دست رانت‌جویی گروه‌های ذینفع جلوگیری کند و از خود در برابر تلاش برای تأثیرگذاری و نفوذ افراد محافظت می‌کند، و اراده مستحکمی داشته باشد و بتواند به قدرت واقعی مستقلی برای تصمیم‌گیری دست یابد. بر این مبنا پیشنهاد اویکن به نوعی فراخوان یک دولت اقتدارگرای (لیبرال)^۵، همچنین تبلیغ برای ایجاد دموکراسی پارلمانی تکثرگرایانه برای حکومت فن‌سالارانه^۶ است (اویکن، ۱۹۳۲، ص. ۷۰).

1. Röpke

2. Lash of competition

3. Eucken

4. Dissolution

5. Liberal authoritarian state

6. Technocracy

روستو بیان می‌کند: «با نظر به اهمیت اساسی دولت در این زمینه من عقیده دارم که در حقیقت این اقتصاد نیست، بلکه دولت است که سرنوشت ما را تعیین می‌کند» (روستو، ۱۹۳۲، ص. ۱۴۴). در حالی که مداخله‌گرایی کینزی به دنبال کاهش فشارهای تغییرات ساختاری در اقتصاد است تا در نهایت به یک نقطه تعادل جدید برسد و رویکرد لسه‌فر به راحتی اجازه می‌دهد که امور روند خود را طی کنند، روستو سیاست‌های مداخله‌جویی را پیشنهاد می‌کند که در آن تغییرات ساختاری اقتصادی، یعنی «فرآیند تخریب خلاق»^۱ نظام سرمایه‌داری (که شومپیتر مبدع آن بوده است) رخ می‌دهد. از نظر روستو، مشکل چنین مداخله‌گری لیبرال این است که دولت موجود حتی اگر بخواهد، نمی‌تواند آن را دنبال کند، زیرا فاقد پیش شرط استقلال و خودمختاری کافی در برابر نیروهای اجتماعی است که برای مداخله‌گرایی متعارف فشار می‌آورند (روستو، ۱۹۳۲).

در پژوهش حاضر به عنوان پروکسی «دولت قوی» از دو متغیر «کیفیت تنظیم‌گری» و «کارآمدی» دولت که دو متغیر مربوط به شاخص حکمرانی خوب هستند استفاده شده است.^۲ در واقع این دو متغیر دو شأن از کارکرد «دولت قوی» را نشان می‌دهند. در تعریف این دو چنین آمده است که آن‌ها ظرفیت دولت برای صورت‌بندی و به‌کارگیری مؤثر سیاست‌های سالم را نشان می‌دهند. کارآمدی دولت، کیفیت خدمات عمومی و مدنی و درجه استقلال از فشارهای سیاسی، کیفیت صورت‌بندی و به‌کارگیری سیاست‌ها، و خوشنامی دولت در تعهد به چنین سیاست‌هایی را نشان می‌دهد. از طرف دیگر کیفیت تنظیم‌گری نشانگر توانمندی دولت برای صورت‌بندی سیاست‌های سالم و تنظیم‌گری‌ای که به بخش خصوصی اجازه رشد و توسعه را می‌دهد، است (کافمن و

^۱. Creative destruction

^۲. لازم به ذکر است شاخص حکمرانی مشتمل بر شش متغیر نهادی است. طبق تعریف متغیرهای نهادی این شاخص، متغیر کارآمدی دولت و کیفیت تنظیم‌گری بیشترین قرابت را با ایده دولت قوی دارد. به همین دلیل توجه پژوهش حاضر فقط به این دو متغیر نهادی معطوف شده است.

دیگران^۱، (۲۰۱۱). مدعای پژوهش حاضر این است که این دو متغیر به همراه اهرم یا نفوذ رانتی مسبب ایجاد فاصله از مرز کارایی هستند. ناظران و همکاران (۱۳۹۸) اسمیت^۲ (۲۰۱۷) نشان داده‌اند که در پژوهش‌هایی که قرار است از درآمدهای منابع طبیعی در یک ساختار و تحلیل نهادی استفاده شود بهتر است به جای درآمدهای منابع طبیعی از شاخص اهرم یا نفوذ رانتی استفاده شود. این شاخص از تقسیم درآمد منابع طبیعی سرانه بر تولید ناخالص داخلی سرانه به دست می‌آید. پژوهش حاضر نیز از این شاخص بهره برده است.

۳. پیشینه پژوهش

مسئله کارآمدی درآمدهای منابع طبیعی در ادبیات اقتصادی به صورت گسترده‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. پس از نزدیک به دو دهه پژوهش‌های متنوع در مورد «نفرین منابع» که به صورت جدی با کار ساکس و وارنر (۱۹۹۵) آغاز شد، اکنون ادبیات تحقیق در نقطه‌ای قرار گرفته است که عدم اجماع و توافق را در مورد این پدیده بپذیرد. اسمیت و والدنر (۲۰۲۱) ضمن تأکید بر این مسئله که نفرین منابع را باید در سه لایه: مفاهیم، روش‌شناسی و چارچوب نظری بحث کرد، مدعی می‌شوند که نفرین منابع به هیچ عنوان پدیده جهان‌شمول نیست و یک مسئله منطقه‌ای یا حتی محدود به برهه زمانی خاص است اسمیت و والدنر^۳ (۲۰۲۱). اندرسن و راس نیز نشان می‌دهند که نفرین منابع یک ناهمگنی زمانی نظام‌مند را به نمایش می‌گذارد، لذا این تصور اشتباه است که نفرین منابع را می‌توان برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها به کار ببریم (اندرسن و رز^۴، ۲۰۱۴). تری‌لین کارل نیز شرایطی را نشان داد که نفرین منابع می‌تواند بسته به

1. Kaufmann

2. Smith

3. Waldner

4. Andersen & Ross

زمینه منطقه‌ای کشور متفاوت باشد (کارل، ۱۹۹۷). در نتیجه نمی‌توان یک قاعده کلی جهت ارتباط بین منابع طبیعی و رشد به دست آورد. به عبارت دیگر همان‌طور که وانگ و همکاران (۲۰۲۱) استدلال کرده‌اند غیرممکن است بتوان ادعا کرد که منابع طبیعی در تمام اقتصادهای جهان اثر مثبت بر رشد مالی و اقتصادی دارد (وانگ و دیگران^۱، ۲۰۲۱). چنان‌که گفته شد که مهم‌ترین رویکرد در تبیین نفرین منابع متعلق به تحلیل نهادی است. با این حال رویکردهای دیگری نیز در تلاش برای تبیین این پدیده برآمده‌اند. مشهورترین و شاید قدیمی‌ترین نظریه در این حوزه، بیماری هلندی است. ساکس و وارنر (۱۹۹۵) مبتنی بر بیماری هلندی نشان دادند که وفور منابع طبیعی فی‌نفسه به نفرین منابع منجر می‌شود. آن‌ها یک رابطه منفی به لحاظ آماری بین وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی بدست آوردند. در تحلیل ساکس و وارنر به نهاد، فساد و رانت‌جویی نیز توجه شده بود اما این موارد دارای اثر ثانوی بوده و اثر مستقیم و اصلی متعلق به خود منابع طبیعی بود.

دسته دیگری از مقالات بر مفهوم رانت‌جویی در ظهور نفرین منابع تمرکز کرده‌اند. اگرچه خود مفهوم رانت‌جویی به خوبی در چارچوب تحلیل نهادی می‌گنجد اما این مقالات بیش از آن‌که بر نهادها تمرکز کنند، بر رانت‌جویی توجه دارند (بالاند و فرانسیس^۲، ۲۰۰۰؛ دیکون و رود^۳، ۲۰۱۵؛ دلانو و مادا^۴، ۲۰۲۲، اوگ‌وانگ و همکاران^۵، ۲۰۱۹؛ تورویک^۶، ۲۰۰۱). دسته دیگری از نظریات نیز هستند که بر ضعف نسبی سرمایه انسانی در مقایسه با سرمایه فیزیکی در کشورهای دارای منابع طبیعی تأکید

¹. Wang et al.

². Baland & Francois

³. Deacon & Rode

⁴. Dell'Anno & Maddah

⁵. Ogwang et al.

⁶. Torvik

می‌کنند و نقش سرمایه‌ی انسانی را در ظهور این پدیده بررسی می‌کنند (بوس^۱، ۲۰۱۱؛ ال‌مساح و حسنین^۲، ۲۰۲۲؛ لی و همکاران^۳، ۲۰۲۳؛ رحیم و همکاران^۴، ۲۰۲۱).

رابرت دلانو^۵ (۲۰۲۰) به تحلیل روابط بلندمدت بین وابستگی به منابع، دموکراسی و رشد اقتصادی سرانه در ایران با استفاده از رویکرد هم‌جمعی ARDL پرداخته است. وی نشان می‌دهد که در دوره ۱۹۷۰-۲۰۱۷ وابستگی به منابع و دموکراسی بر رشد بلندمدت تولید ناخالص داخلی ایران اثر مثبت، منفی و خنثی داشته است. وی نتیجه می‌گیرد که این نتایج بار دیگر نشان می‌دهد که در مورد تجربیات اقتصاد سیاسی فرضیه نفرین منابع اجماع وجود ندارد. بنابراین نمی‌توان با قاطعیت به این سوال که آیا وابستگی به منابع یک نفرین یا موهبت است با «آری» یا «خیر» پاسخ گفت. بلکه یک پرسش دقیق‌تر این است که این منابع «چه زمانی» نفرین و چه زمانی موهبت هستند.

بیلید و همکاران^۶ (۲۰۲۱) نشان می‌دهند فارغ از این‌که یک کشور منطقه منا دموکراتیک باشد یا خیر، موهبت منابع مشهود است، و نفرین منابع تنها زمانی ظاهر می‌شود که دولت‌ها از رانت‌های نفتی در راستای اهداف نظامی بهره ببرند.

پیر-کپی‌یاس و همکاران^۷ (۲۰۲۲) با بررسی سه کشور از آمریکای لاتین (بولیوی، شیلی و پرو) و دو کشور اسکاندیناوی (نروژ، سوئد) طی یک دوره ۹۰ ساله ۱۸۵۰-۱۹۳۹ نشان داده‌اند که در کشورهای دسته دوم وابستگی مالی دولت‌ها به منابع طبیعی کم و در دسته اول وابستگی بالا و ناپایدار بوده است. آن‌ها نتیجه گرفتند که فراوانی منابع طبیعی نباید به طور مکانیکی با وابستگی مالی مرتبط باشد. افزایش وابستگی

1. Boos

2. Elmassah & Hassanein

3. Li et al.

4. Rahim et al.

5. Dell'Anno

6. Belaid et al.

7. Peres-Cajías et al.

مالی به عوامل اقتصادی و سیاسی مختلفی از جمله تنوع اقتصادی کشورها، نگرش نیروهای سیاسی و غیره مرتبط است.

گالگو و همکاران^۱ (۲۰۲۰) نشان می‌دهد فراوانی منابع طبیعی بر رشد اقتصادی، ثبات سیاسی، دموکراسی و صلح رابطه منفی دارد. آن‌ها پیشنهاداتی را برای اصلاحات نهادی در این زمینه مطرح کرده‌اند.

انتله^۲ (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که در اکثر کشورهای غنی منابع طبیعی در دوره ۱۹۹۵-۲۰۱۹ فراوانی منابع طبیعی و عملکرد نهادی اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته‌اند که این مشاهدات حاکی از نفرین منابع و نفرین نهادی است. این کشورها می‌توانند با تکیه بر سرمایه انسانی، خدماتی فناوری اطلاعات و ارتباطات و اصلاحات نهادی از این نفرین رها شوند.

علی و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند که رانت منابع یک اثر مثبت بر بازار سهام دارد و در این بین کیفیت نهادی نقش تعدیل‌کنندگی در ارتقای اثر مثبت منابع بر بازار سهام دارد. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که یک علیت دوطرفه بین توسعه بازار سهام و رشد اقتصادی و متغیر تعدیل‌کننده (کیفیت نهادی) وجود دارد. مطالعه آنان توصیه می‌کند که از آنجایی که بازار سهام و سیستم بانکی متفاوت عمل می‌کنند، یک سیاست بده‌بستان در مورد کیفیت نهادی برای هدایت مؤثر درآمدهای بادآورده از طریق نظام مالی برای محافظت از منافع ذی‌نفعان مختلف مورد نیاز است. با تقویت و اجرای چارچوب نهادی کارآمد، درآمدهای منابع طبیعی می‌تواند بیشتر از توسعه بازار سهام حمایت کند.

دستک و همکاران^۳ (۲۰۲۳) نشان می‌دهند که در کشورهای رانت منابع طبیعی و سرمایه انسانی با تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی رابطه مثبت و معناداری دارند،

^۱. Gallego et al.

^۲. Entele

^۳. Destek et al.

درحالی که توسعه مالی اثرات منفی دارد و بنابراین رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. همچنین حق اظهار نظر و پاسخگویی و کارآمدی دولت بر تولید اثر منفی دارد، درحالی سایر متغیرهای کیفیت نهادی به جز کیفیت مقررات، نقش به‌سزایی در افزایش تولید واقعی دارند. اثرات تعامل منابع طبیعی و حق اظهارنظر و پاسخگویی موجب توسعه اقتصادی می‌شود و همچنین در افزایش اندازه منابع طبیعی و سرمایه انسانی بر توسعه اقتصادی کشورهای منا اثر می‌گذارد و در عین حال اثرات منفی اولیه توسعه مالی را از میان می‌برد. علاوه‌براین تعامل رانت منابع طبیعی بر بی‌ثباتی سیاسی، کارآمدی دولت، حاکمیت قانون، کنترل فساد به طور قابل‌توجهی به افزایش رشد اقتصادی کشورهای منا کمک کرده است، درحالی که کیفیت مقررات اثر قابل‌توجهی ندارد.

آدتوتو و همکاران^۱ (۲۰۲۰) نشان می‌دهند که بهره‌وری بانک‌های قزاقستان در دوران رونق نفتی کاهش می‌یابد، این کاهش بهره‌وری برای بانک‌هایی که در معرض ارزش خارجی بیشتری هستند، آشکارتر است. لذا نفرین منابع از طریق ضعف بهره‌وری بانکی می‌تواند ظاهر شود. محمد و همکاران^۲ (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که درآمدهای نفتی تنها به شرط توسعه بخش بانکی، می‌توانند به رشد اقتصادی کمک کنند. همچنین دوگان و همکاران^۳ (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که رانت منابع طبیعی اثر مثبت بر توسعه مالی دارد. نورماخانوف و همکاران^۴ (۲۰۲۳) نشان دادند که رانت منابع طبیعی یک اثر منفی قوی بر نرخ جمع‌آوری سرمایه بازار سهام و اعتبار خصوصی در دسترس دارد. از سوی دیگر دینگ^۵ (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که منابع طبیعی بر توسعه مالی اثر منفی داشته و بنابراین فرضیه نفرین منابع تأیید می‌شود. همچنین مصرف انرژی تجدیدپذیر اثر منفی بر توسعه مالی دارد. برعکس، نوآوری فنی و صادرات توسعه مالی را تقویت می‌کند.

1. Adetutu et al.

2. Mohammed et al.

3. Dogan et al.

4. Nurmakhanova et al.

5. Ding

عاطف خان و همکاران^۱ (۲۰۲۰) با مطالعه اقتصاد پاکستان ۱۹۸۴-۲۰۱۸ نشان می‌دهند که رانت منابع طبیعی بر توسعه مالی اثر منفی دارد، در حالی که کیفیت نهادی توسعه مالی را تقویت می‌کند و می‌تواند اثر منابع طبیعی را تعدیل کند. از یک آستانه‌ای به بعد رابطه رانت منابع و توسعه مالی غیرخطی می‌شود.

حسیب و همکاران^۲ (۲۰۲۱) با استفاده از روش کوانتایل بر کوانتایل ماهیت نامتقارن روابط بین کوانتایل منابع طبیعی و رشد اقتصادی را ارزیابی کرده‌اند. همچنین حاج و گودبان^۳ (۲۰۲۱) با استفاده از روش کوانتایل نشان می‌دهند که رانت‌های منابع طبیعی اثرات منفی بر توسعه مالی در کشورهایی با نظام‌های مالی توسعه یافته دارد، در حالی این اثرات برای کشورهای با درآمدهای منابع طبیعی بالا مثبت است.

از جمله محدود پژوهش‌های داخلی که به دولت قوی پرداخته شده است می‌توان به رستم‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) اشاره کرد. ایشان با تکیه بر مفهوم دولت قوی نشان داده‌اند که هر زمان نهادهای سیاسی در بخش‌های مالی و پولی مداخله مستقیم نمایند منجر به شکست دولت شده و در نتیجه اثر منفی بر کارایی داشته است، و در مقابل اگر به عنوان تسهیل‌کننده بیرونی بخش مالی و پولی در نظر گرفته شود، می‌تواند نقش مثبت بر کارایی ایفاء کند. با این حال آن‌ها فارغ از دو شأن کارکردی دولت قوی یعنی کارآمدی و تنظیم‌گری، آن را در الگوی خود به کار گرفته‌اند. نوآوری پژوهش حاضر نسبت به مطالعه رستم‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) در این است که دولت قوی را ناظر به دو شأن فوق صورت‌بندی کرده است.

در میان پژوهش‌های داخلی، ناظمان و همکاران (۱۳۹۸)، محمدی و همکاران (۱۳۹۸)، و شهنازی و رعنائی (۱۳۹۶) از روش تحلیل مرزی تصادفی در موضوع نفرین منابع و کارایی بهره برده‌اند. علاوه‌براین در میان مطالعات داخلی، تنها پژوهش

^۱. Khan et al.

^۲. Haseeb et al.

^۳. Hadj & Ghodbane

سرگل‌زایی و همکاران (۱۴۰۱) از روش کوانتایل برای نفرین منابع استفاده کرده است. نوآوری پژوهش حاضر نسبت به سرگل‌زایی و همکاران این است که اولاً آن‌ها روش کوانتایل را به جهت برطرف کردن خلأ در ادبیات نفرین منابع استفاده نکرده‌اند. ثانیاً روش کوانتایل وقتی به عنوان روش مکمل در کنار تحلیل مرزی تصادفی قرار می‌گیرد، تحلیل‌های متفاوتی به دست می‌دهد. ثالثاً نتایج پژوهش حضور برخلاف مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که برخی چندک‌ها درآمدهای نفتی ممکن است اثر مثبتی از خود به جای بگذارند.

۳. الگو و روش‌شناسی

همان‌طور که در مقدمه گفته شد از جمله نوآوری‌های روش‌شناختی پژوهش حاضر استفاده از دو روش تحلیل مرزی تصادفی و کوانتایل است. هر کدام از این روش‌ها بر یک مسئله خاص مربوط به نفرین منابع تمرکز دارد. با استفاده از روش تحلیل مرزی تصادفی وجود نفرین منابع، و با استفاده از روش کوانتایل، پویایی‌های آن را می‌توان نشان داد. دلیل اهمیت پویایی‌های نفرین منابع به این مسئله بازمی‌گردد که درآمدهای نفتی در طول زمان ممکن است اثرات متنوعی از خود به جای بگذارد، این درحالی است که با تکیه صرف بر میانگین مشاهدات نمی‌توان این اثرات متنوع را مشاهده کرد.

روش تحلیل مرزی تصادفی توسط ایگنر و همکاران، (۱۹۷۷) میوزن و فان دن بروک (۱۹۷۷)، اشمیت و سیکلز (۱۹۸۴)، گرین (۲۰۰۵)، مک کوئین (۲۰۱۳)، کومبکار و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، بلوتی و همکاران^۲ (۲۰۱۳)، و کاراکاپلان و کوتولو^۳ (۲۰۱۷) توسعه یافته است. تابع تولید به قرار زیر است:

$$Y_{it} = f(K_{it}, L_{it})e^{v_{it}}e^{-u_{it}} \quad (1)$$

¹. Kumbhakar et al.

². Belotti et al.

³. Karakaplan & Kutlu

$i: 1, \dots, 11, t: 2000, \dots, 2019$

$$u_{it} \sim N^+(\mu_{it}, \sigma_u^2), v_{it} \sim N(0, \sigma_v^2)$$

که در آن Y_{it} : تولید ناخالص داخلی؛ K_{it} : سرمایه فیزیکی؛ L_{it} : نیروی کار؛ v_{it} : جمله اخلاص تصادفی و u_{it} : جمله اخلاص تصادفی مسبب فاصله از مرز است. با یک تبدیل کابداگلاس تابع تولید فوق به شکل زیر به دست می‌آید:

$$y_{it} = \alpha_{0i} + \sum_j \alpha_j x_{jit} + v_{it} - u_{it} \quad (۲)$$

$$y_{it} = \ln(Y), j \in [k, l] \text{ s. t. } j = k, x_{jit} = \ln(K_{it}) = k_{it}$$

جمله اخلاص u_{it} دارای میانگین غیرصفر است. این میانگین را بردار Z_{it} به شکل زیر نشان می‌دهد:

$$\mu_{it} = Z_{it}\beta \quad (۳)$$

$$u_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{oilrent}_{it} + \beta_2 RQ_{it} + \beta_3 GE_{it} + \sum_j \sum_m \beta_{jm} x_{jit} x_{mit} + \omega_{it} \quad (۴)$$

که oilrent : اهرم یا نفوذ رانتهی منابع طبیعی، RQ : کیفیت تنظیم‌گری، GE : کارآمدی دولت و $x_{jit} x_{mit}$: تعامل متغیرها در حالات مختلف است.

معادله (۴) معرف ناکارایی در الگو است. این معادله نشان می‌دهد که ناکارایی تابعی از اهرم رانتهی، کیفیت تنظیم‌گری، کارآمدی دولت و تعامل متغیرهاست. این متغیرها می‌توانند مسبب کارایی یا ناکارایی شوند که خود را به صورت فاصله از مرز کارا نشان می‌دهند.

روش تحلیل مرزی تصادفی در تشخیص وجود نفرین منابع به ما کمک می‌کند. با این حال پاسخی برای فقدان اجماع قطعی بر یافته‌های موجود در ادبیات ارائه نمی‌دهد. در عوض الگوی کوانتایل با ارائه با تمرکز بر چندک‌های مختلف نشان می‌دهد که تأثیر درآمدهای نفتی در دوره‌های زمانی گوناگون مختلف بوده است. لذا نمی‌توان صرفاً با تکیه بر یک مقطع، نتیجه قطعی در مورد تأثیر درآمدهای نفتی گرفت. البته امروزه الگوهای تحلیل مرزی تصادفی مبتنی بر کوانتایل نیز در حال گسترش است. با این حال

در پژوهش حاضر الگوی کوانتایل را به صورت مستقل از تحلیل مرزی تصادفی به کار گرفته‌ایم.

برای بررسی ارتباط دو متغیر، معمولاً رگرسیون حداقل مربعات به کار گرفته می‌شود. با رگرسیون حداقل مربعات ارتباط بین متغیرهای کمکی و میانگین پاسخ شرطی را می‌توان برآورد کرد، اما این روش مثل بسیاری از روش‌های آماری دارای محدودیت‌هایی هستند. رگرسیون حداقل مربعات در صورت وجود داده‌های پرت یا برقرار نبودن فرض نرمال بودن داده‌ها، برای تخمین ارتباط بین متغیر کمکی و متغیر پاسخ اعتبار کافی نخواهد داشت، در این حالت رگرسیون کوانتایل کارا تر هستند. از طرفی رگرسیون حداقل مربعات تنها ارتباط بین متغیرهای کمکی و میانگین پاسخ را بررسی می‌کند، درحالی که در بسیاری موارد هدف پیدا کردن ارتباط بین متغیرهای کمکی با سایر بخش‌های توزیع به ویژه چندک‌های انتهایی توزیع می‌باشد. رگرسیون کوانتایل (چندکی) روشی برای غلبه بر این مشکلات است.

رگرسیون در شکل داده‌های تابلویی کوانتایل را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$Q(y_{it}|x_{it}) = \delta_{\tau}x_{it} + \tau\varepsilon_{it} \quad (5)$$

$$Q_{\tau}(s_{\tau}) = \min \sum_{i=1}^n [|y_{it} - \tau x_{it}|] \quad (6)$$

در معادلات بالا تعریف x_{it} و y_{it} مانند معادله (۲) است با این تفاوت که متغیرهای رابطه ناکارایی (۴) نیز در آن گنجانده شده‌اند. معادله (۵) توزیع شرطی تولید ناخالص داخلی را بر اساس چندک‌ها بازنمایی می‌سازد در حالی که معادله (۶) تابع حداقل سازی قدرمطلق جملات اخلاص را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر از رگرسیون کوانتایل داده‌های تابلویی بوت‌استرپ^۱ استفاده شده است.

^۱. Bootstrapped

۴. برآورد و تحلیل نتایج

در استفاده از هر دو روش تحلیل مرزی تصادفی و کوانتایل، چولگی داده‌ها اهمیت بسیار دارد. در روش تحلیل مرزی تصادفی در جهت توجیه استفاده از تابع تولید یا تابع هزینه ابتدا باید به چولگی مشاهدات توجه کرد. اگر مشاهدات چوله به چپ باشند، تابع تولید و اگر چوله به راست باشند استفاده از تابع هزینه توجیه‌پذیر است. علاوه بر این یکی از توجیهات استفاده از روش کوانتایل نیز چولگی مشاهدات است.

از نمودار (۱) مشخص است که مشاهدات چولگی به چپ دارند. این بدان معنی است که باید از تابع تولید در روش تحلیل مرزی تصادفی استفاده کرد و همچنین استفاده از روش کوانتایل توجیه‌پذیر است. نتایج آزمون چولگی نیز به شرح زیر است:

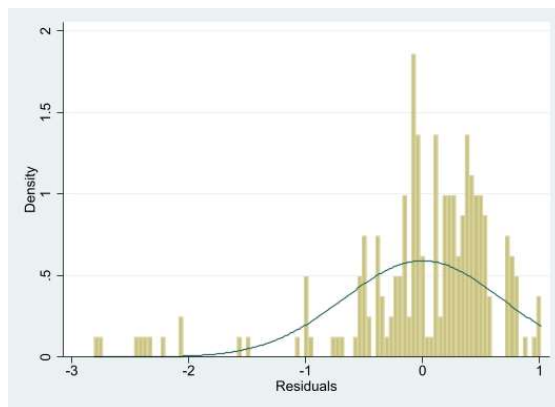
$$\{H_0: SK = 0$$

$$\{H_1: SK \neq 0$$

$$\chi^2 = 98.80$$

$$prob > \chi^2 = 0.000$$

که با توجه به مقدار احتمال χ^2 فرض صفر بودن چولگی رد می‌شود.



نمودار (۱). چولگی مشاهدات

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون مانایی داده‌ها با استفاده از آزمون ریشه واحد لوین-لین-چو^۱ نیز در جدول (۱) گزارش شده است.

جدول (۱). آزمون ریشه واحد و مانایی داده‌ها

متغیر	مقدار t تعدیل نشده	مقدار t تعدیل شده	تعداد وقفه	p-value	تصمیم
تولید ناخالص داخلی	-۶.۲۸۱۳	-۵.۵۴۰۸	۱	۰.۰۰۰	رد فرض صفر و اثبات مانایی داده‌ها
نیروی کار	-۵.۱۱۷۸	-۴.۵۹۴۵	۱	۰.۰۰۰	رد فرض صفر و اثبات مانایی داده‌ها
سرمایه	-۲.۶۲۶۲	-۲.۶۷۹۲	۱	۰.۰۰۳۷	رد فرض صفر و اثبات مانایی داده‌ها
کارآمدی دولت	-۶.۴۷۲۲	-۳.۰۵	۱	۰.۰۰۱۱	رد فرض صفر و اثبات مانایی داده‌ها
کیفیت تنظیم‌گری	-۶.۵۵۸۱	-۳.۲۵۸۷	۳	۰.۰۰۰۶	رد فرض صفر و اثبات مانایی داده‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش

روش تحلیل مرزی تصادفی در حالات مختلفی به کار گرفته شده است. در حالت نخست متغیر کارآمدی دولت، کیفیت تنظیم‌گری و اهرم رانتهی به عنوان متغیرهای اثرگذار بر ناکارایی لحاظ شده‌اند. نتایج تخمین در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول (۲). تخمین مبتنی بر روش تحلیل مرزی تصادفی (حالت نخست)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	مقدار Z	$p > z $
کشش سرمایه	۰.۳۸۵۵	۰.۰۱۱۴	۳۳.۵۷	۰.۰۰۰
کشش نیروی کار	۰.۳۰۸۳	۰.۰۱۷	۱۷.۷۴	۰.۰۰۰
کارآمدی دولت	۱.۳۷۷۶	۰.۱۱۱۷	۱۲.۳۳	۰.۰۰۰
کیفیت تنظیم‌گری	-۱.۵۹۹۴	۰.۱۶۶۵	-۹.۶۰	۰.۰۰۰
اهرم رانتهی	۰.۰۱۳۷	۰.۰۰۲۷	۵.۰۴	۰.۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

^۱. Levin-Lin-Chu

نتایج تخمین نشان‌دهنده آن است که اهرم رانتي اثر منفي بر کارايي دارد، اما شدت آن چندان قابل توجه نيست. اين نکته نشان از آن دارد که درآمدهای منابع طبيعي نه تنها منجر به افزايش کارايي نمی‌شوند، بلکه کارايي را کاهش می‌دهند. کارآمدی دولت و کیفیت تنظيم‌گري به عنوان دو کارکرد دولت قوی اثرات متضادی بر کارايي دارند. کارآمدی دولت اثر منفي و کیفیت تنظيم‌گري اثر مثبت دارد. در نتیجه اين بدان معناست که در کشورهای دارای ثروت منابع طبيعي مورد مطالعه پژوهش حاضر، کیفیت خدمات عمومی و مدني، استقلال از فشارهای سياسي، کیفیت سياست‌های دولتي و خوشنامی دولت‌ها اثر منفي بر کارايي دارد. در عوض تنظيم‌گري مبتني بر توسعه بخش خصوصی در چارچوب سياست‌های سالمی که دولت تعيين کند، اثر مثبت بر کارايي خواهد داشت.

در حالت دوم، سوم و چهارم روش تحليل مرزی تصادفی، ضرایب تعامل را به معادله ناکارايي اضافه می‌کنيم. در حالت دوم تعامل بين متغيرهای دولت قوی با اهرم رانتي، در حالت سوم تعامل بين دو شأن کارکردی دولت قوی، و در حالت چهارم تمام متغيرها توأمان در نظر گرفته شده است.

جدول (۳). تخمین مبتني بر روش تحليل مرزی تصادفی (حالت دوم)

متغير	ضريب	انحراف معيار	مقدار Z	$p > z $
کشش سرمايه	۰.۳۷۰۲	۰.۰۱۱۴	۳۳.۲۷	۰.۰۰۰
کشش نیروی کار	۰.۲۸۲۲	۰.۰۱۷۲	۱۶.۳۳	۰.۰۰۰
کارآمدی دولت	۰.۱۳۲۸	۰.۲۷۴۹	۰.۴۸	۰.۶۲۹
کیفیت تنظيم‌گري	-۰.۱۶۶۴	۰.۳۱۰۶	-۰.۵۴	۰.۵۹۲
اهرم رانتي	۰.۰۰۷	۰.۰۰۸۱	۰.۹۴	۰.۳۴۵
اهرم رانتي* کارآمدی دولت	۰.۰۳۶۸	۰.۰۰۷۴	۴.۹۵	۰.۰۰۰
اهرم رانتي* کیفیت تنظيم‌گري	-۰.۰۴۶۶	۰.۰۰۹۱	-۵.۰۹	۰.۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

تخمین‌های کارآمدی دولت، کیفیت تنظيم‌گري، و اهرم رانتي در حالت منفرد

هیچ‌یک معنادار نشده است. با این حال ضریب تعامل اهرم رانتی با کارآمدی دولت تأثیر منفی و ضریب تعامل اهرم رانتی با کیفیت تنظیم‌گری تأثیر مثبت بر کارایی دارد. نکته قابل‌توجه و مهم این است که اهرم رانتی (که خود در حالت نخست تأثیر منفی بر کارایی داشت) وقتی در تعامل با کارآمدی دولت قرار می‌گیرد، اثر منفی بودن کارآمدی دولت بر کارایی را کاهش می‌دهد. درواقع این اثر واقعیت کشورهای دارای منابع طبیعی را نشان می‌دهد که درآمدهای نفتی و منابع طبیعی کارکرد منفی دولت‌ها را تا حدی کاهش می‌دهد. از سوی دیگر اهرم رانتی وقتی در تعامل با کیفیت تنظیم‌گری قرار می‌گیرد، تأثیر مثبت آن بر کارایی را کاهش می‌دهد. این نکته نشان‌گر آن است که درآمدهای منابع طبیعی مانع جدی برای استفاده از ظرفیت دولت‌ها جهت توسعه و ارتقای بخش خصوصی است.

جدول (۴). تخمین مبتنی بر روش تحلیل مرزی تصادفی (حالت سوم)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	مقدار Z	$p > z $
کشش سرمایه	۰.۴۰۲	۰.۰۱۱۲	۳۵.۷۹	۰.۰۰۰
کشش نیروی کار	۰.۳۳۴۳	۰.۰۱۶	۲۰.۸۶	۰.۰۰۰
کارآمدی دولت	۱.۸۶۲	۰.۲۶۳۹	۷.۰۶	۰.۰۰۰
کیفیت تنظیم‌گری	-۱.۴۰۱۳	۰.۲۷۸۱	-۵.۰۴	۰.۰۰۰
کارآمدی دولت*کیفیت تنظیم‌گری	۰.۴۱۹۶	۰.۱۸۸۶	۲.۲۲	۰.۰۲۶

منبع: یافته‌های پژوهش

از جدول (۴) بار دیگر مشخص می‌شود که کارآمدی دولت اثر منفی و کیفیت تنظیم‌گری اثر مثبت بر کارایی دارند که شرح آن در سطور بالا ارائه شد. با این حال نکته جالب توجه تعامل این دو متغیر با یکدیگر است که باعث افزایش ناکارایی می‌شود. این واقعیت نشان می‌دهد که در اثر متضاد دو شأن کارکردی دولت قوی، اثر غالب با اثر منفی کارآمدی دولت است که می‌تواند تأثیر مثبت کیفیت تنظیم‌گری را تحت تأثیر قرار دهد.

جدول ۵: تخمین مبتنی بر روش تحلیل مرزی تصادفی (حالت چهارم)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	مقدار Z	$p > z $
کشش سرمایه	۰.۳۷۱۵	۰.۰۱۱۴	۳۲.۵	۰.۰۰۰
کشش نیروی کار	۰.۲۸۳۳	۰.۰۱۷	۱۶.۶۸	۰.۰۰۰
کارآمدی دولت	۰.۳۰۹۷	۰.۳۱۴۳	۱.۴۶	۰.۳۲۵
کیفیت تنظیم‌گری	-۰.۱۲۵۸	۰.۳۱۴۳	-۰.۴۱	۰.۶۸۴
اهرم رانتهی	۰.۰۱۴۲	۰.۰۰۹۷	۱.۴۶	۰.۱۴۶
کارآمدی دولت*کیفیت تنظیم‌گری	۰.۱۹۷۶	۰.۱۶۰۸	۱.۲۳	۰.۲۱۹
اهرم رانتهی*کارآمدی دولت	۰.۰۳۸۴	۰.۰۰۷۵	۵.۰۸	۰.۰۰۰
اهرم رانتهی*کیفیت تنظیم‌گری	-۰.۰۴۲۳	۰.۰۰۹۸	-۴.۳۱	۰.۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در نهایت در حالت چهارم تمام متغیرها باهم در نظر گرفته شده است که به جز ضریب تعامل اهرم رانتهی با دو متغیر دولت قوی، مابقی به لحاظ آمار معنادار نیستند. تفسیر این دو ضریب نیست مانند حالت دوم است.

پس از بررسی نتایج روش تحلیل مرزی تصادفی، اکنون به تحلیل نتایج روش کوانتایل پرداخته می‌شود. همان‌طور که در سطور پیشین گفته شد، هدف از به کارگیری روش کوانتایل این است که بتوان مبتنی بر آن پاسخی به نتایج بعضاً متضاد و عدم اجماع در زمینه نفرین منابع ارائه کرد. روش کوانتایل اجازه می‌دهد که ضرایب در چندک‌های مختلف بررسی شود، در نتیجه ممکن است در چندک‌های مختلف اثر درآمدهای منابع طبیعی بر تولید ناخالص داخلی متفاوت باشد، به همین دلیل در پژوهش‌های گوناگون نتایج متفاوتی به دست آمده است. روش کوانتایل در دو حالت به کار گرفته شده است. حالت اول تمام متغیرها و در حالت دوم فقط نیروی کار، سرمایه و اهرم رانتهی لحاظ شده‌اند.

از جدول (۶) مشخص است که در چندک ۰.۷۵ کارآمدی دولت منفی و کیفیت تنظیم‌گری مثبت است. این نتیجه با تحلیل مرزی تصادفی هم جهت است. در واقع می‌توان چنین نتیجه گرفت که کارآمدی دولت هم بر کارایی و هم بر رشد اقتصادی اثر

منفی و کیفیت تنظیم‌گیری نیز بر هر دو اثر مثبت دارد. تعامل کارآمدی دولت با کیفیت تنظیم‌گیری نیز در هر سه چندک منفی است و روند صعودی دارد.

جدول (۶). تخمین مبتنی بر روش کوانتایل (حالت اول)

متغیرها	چندک ۰.۲۵	چندک ۰.۵	چندک ۰.۷۵
سرمایه	۰.۴۶۳۶*** (۰.۰۲۶۵)	۰.۴۴۴۹*** (۰.۰۱۲۲)	۰.۴۳۹۷*** (۰.۰۰۷۳)
نیروی کار	۰.۴۲۶۵*** (۰.۰۳۶)	۰.۳۹۱۶*** (۰.۱۹۱)	۰.۳۵۶۸*** (۰.۰۰۷۲)
کارآمدی دولت	۰.۴۵۹۲ (۰.۲۸۸۲)	۰.۱۳۸۶ (۰.۲۸۷۴)	-۰.۲۵۹۵*** (۰.۰۹۲۸)
کیفیت تنظیم‌گیری	۰.۰۵۵۲ (۰.۱۹۱۶)	۰.۲۱۷۳ (۰.۱۳۸۳)	۰.۳۹۲*** (۰.۰۷۰۹)
اهرم رانتهی	۰.۰۰۳۶ (۰.۰۰۲۷)	۰.۰۰۵۴*** (۰.۰۰۲۵)	۰.۰۰۳۹*** (۰.۰۰۱۴)
کارآمدی دولت*کیفیت تنظیم‌گیری	-۰.۵۷۰۱*** (۰.۰۸۶۱)	-۰.۳۳۳۹*** (۰.۱۰۹)	-۰.۱۵۴۸*** (۰.۰۲۸۶)
اهرم رانتهی*کارآمدی دولت	-۰.۰۰۶۱ (۰.۰۱۱۸)	۰.۰۰۲ (۰.۰۰۷۳)	۰.۰۰۷۶*** (۰.۰۰۲۷)
اهرم رانتهی*کیفیت تنظیم‌گیری	۰.۰۰۲۷ (۰.۰۰۸۴)	-۰.۰۰۴۸ (۰.۰۰۴۵)	-۰.۰۰۲۸ (۰.۰۰۲۴)
Pseudo R2	۰.۷۷۱۷	۰.۷۷۹۶	۰.۸۰۲۹

توجه: سه ستاره: $p < 0.01$ بدون ستاره: $p > 0.1$ عدد در پرانتز انحراف معیار است.

منبع: یافته‌های پژوهش

مانند الگوی تحلیل مرزی تصادفی منفی بودن کارآمدی دولت بر مثبت بودن اثر کیفیت تنظیم‌گیری غالب شده است در نتیجه اثر تعامل این دو متغیر هم بر رشد اقتصادی و هم بر کارایی منفی است. اهرم رانتهی در چندک ۰.۵ و ۰.۷۵ اثر معنادار و مثبت بر رشد اقتصادی دارد. این درحالی است که در روش تحلیل مرزی تصادفی مشخص شد که اهرم رانتهی اثر منفی بر کارایی دارد. نکته جالب توجه دیگر این است که به مانند روش تحلیل مرزی تصادفی، در این جا نیز اهرم رانتهی اثر منفی بودن کارآمدی

دولت را کاهش می‌دهد. با این حال برخلاف حالت تحلیل مرزی تصادفی که اثر این تعامل بر کارایی منفی بود، در این جا اثر این تعامل بر رشد اقتصادی مثبت است. در نهایت در جدول (۷) اثر اهرم رانتی به تنهایی در چندک‌های مختلف نشان داده شده است. مهم‌ترین یافته از جدول (۷) پویایی اثر اهرم رانتی از منفی به مثبت است. این واقعیت نشان می‌دهد که مطابق نکاتی که در مقدمه و مبانی نظری گفته شد، درآمدهای منابع طبیعی در طول زمان و مکان اثر متفاوتی از خود به جای خواهند گذاشت و به همین دلیل نمی‌توان یک نتیجه قطعی از آن بدست آورد. به همین دلیل است که پژوهش‌های مختلف نتایج متفاوتی را در مورد اثر درآمدهای منابع طبیعی به دست آورده‌اند.

جدول (۷). تخمین مبتنی بر روش کوانتایل (حالت دوم)

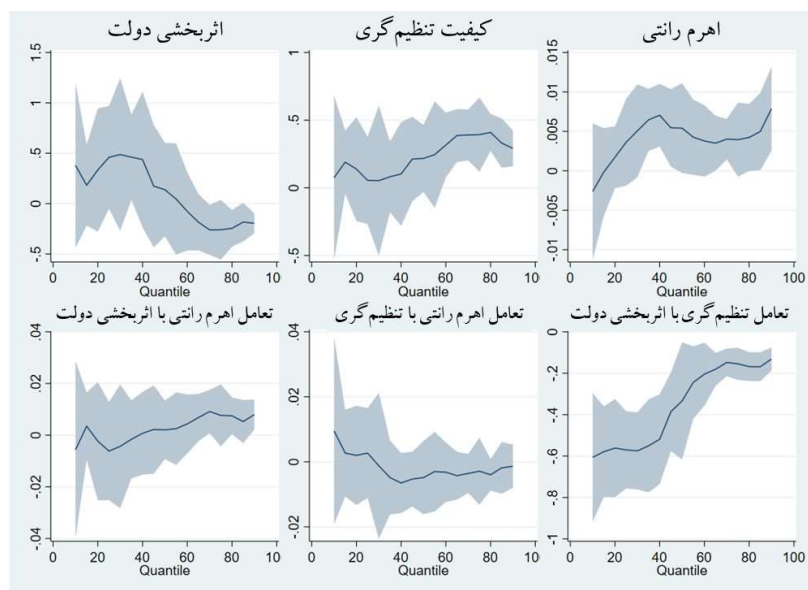
متغیرها	چندک ۰.۱	چندک ۰.۲۵	چندک ۰.۵	چندک ۰.۷۵	چندک ۰.۹۵
سرمایه	۰.۳۶۹۶*** (۰.۰۳۱۹)	۰.۳۶۴۸*** (۰.۰۲۰۶)	۰.۳۸*** (۰.۰۰۷۱)	۰.۳۹۱۸*** (۰.۰۳۲۶)	۰.۳۶۷۵*** (۰.۰۱۶۸)
نیروی کار	۰.۱۱۵۹*** (۰.۲۶۴)	۰.۲۴۶۹*** (۰.۰۲۹۳)	۰.۲۸۴۵*** (۰.۰۰۸۳)	۰.۳۰۵۷*** (۰.۰۴۷۷)	۰.۲۶۶۵*** (۰.۰۲۰۱)
اهرم رانتی	-۰.۰۲۵۷*** (۱.۱۴۳)	-۰.۰۱۷۲*** (۰.۰۰۷۶)	-۰.۰۰۷۷*** (۰.۲۸۱۲)	۰.۰۰۳۵ (۰.۰۰۴۲)	۰.۰۱۰۷*** (۰.۰۰۲۷)
Pseudo R2	۰.۵۳۷۱	۰.۵۹۰۷	۰.۶۶۵۱	۰.۶۶۶۴	۰.۶۷۱۹

توجه: سه ستاره: $p < 0.01$ بدون ستاره: $p > 0.1$. عدد در پرانتز انحراف معیار است.

منبع: یافته‌های پژوهش

پایان بخش این قسمت نمودارهای مربوط به پویایی متغیرها در چندک‌های مختلف

است.



نمودار (۲). پویایی متغیرها در چندک‌های مختلف

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

علی‌رغم پژوهش‌های مختلفی که در باب نفرین منابع شده است، ادبیات تحقیق در این موضوع از چند نقصان اساسی رنج می‌برد: ۱. فقدان یک معیار مشخص، ۲. عدم اجماع، ۳. نقش کم‌رنگ بنیان‌های نظری حمایتی. پژوهش حاضر با تکیه بر روش تحلیل مرزی تصادفی به مورد نخست، با استفاده از روش کوانتایل به مورد دوم، و در نهایت با استفاده از ایده دولت قوی اردولیبیرالی سعی کرد پاسخی درخور به این سه نقصان داشته باشد. بدین ترتیب که اثر درآمدهای منابع طبیعی در فاصله از مرز کارایی به عنوان شاخصی برای وجود نفرین منابع، پویایی درآمدهای منابع طبیعی در چندک‌های مختلف، شاهدی برای توجیه عدم اجماع، و در نهایت کارآمدی و کیفیت تنظیم‌گری به عنوان دو شأن کارکردی دولت قوی در تبیین و بررسی نفرین منابع مورد استفاده قرار گرفتند.

از جمله مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر این است که درآمدهای منابع طبیعی فی‌نفسه اثر منفی بر کارایی دارد. این درآمدهای زمانی که در اختیار دولت ناکارآمد قرار می‌گیرد تا حدی می‌تواند ناکارایی دولت را کاهش دهد اما از سوی دیگر این درآمدها ظرفیت دولت برای توسعه بخش خصوصی را کاهش می‌دهد. این رفتار متضاد بین دو شأن کارکردی دولت قوی، اثر منفی بر کارایی دارد.

هرچند الگوی تحلیل مرزی تصادفی و کوانتایل برای دو هدف متفاوت به کار رفتند اما نتایج یکدیگر را تأیید کردند. هر دو الگو نشان دادند که اهرم رانتي در کشورهای با درآمدهای غنی از منابع طبیعی مانع از شکل‌گیری دولت قوی شده است و در واقع با ایجاد اختلال در کارآمدی و تنظیم‌گری، یک دولت ضعیف را شکل داده است.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد اثر اندک اهرم رانتي در کاهش ناکارآمدی دولت را نباید به عنوان دستاورد مثبت این اهرم در نظر داشت، چرا که اگرچه این اهرم رانتي باعث می‌شود اثر کارآمدی دولت بر رشد اقتصادی مثبت شود اما از سوی دیگر نمی‌تواند اثر منفی ناکارآمدی دولت بر کارایی را بکاهد. همچنین اهرم رانتي باعث اثر منفی تنظیم‌گری دولت بر کارایی می‌شود، و اثرات سرریز ناکارآمدی دولت را به بخش تنظیم‌گری منتقل کرده و در مجموع تعامل این دو اثر منفی بر رشد خواهد گذاشت.

با توجه به نکات فوق پیشنهاد می‌شود که دولت‌های کشورهای با درآمدهای غنی نفتی تمرکز خود را از استفاده این درآمدها در بخش دولتی کاسته و در عوض از آن در ارتقای زیرساخت‌ها که منجر به توسعه بخش خصوصی با التزام به چارچوب‌های نهادی مقتضی می‌شود، استفاده کنند.

۷. تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

۸. سیاست‌گذاری

از دانشگاه یاسوج جهت حمایت، تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع:

- Abdulahi, M. E., Shu, Y., & Khan, M. A. (2019). Resource rents, economic growth, and the role of institutional quality: A panel threshold analysis. *Resources Policy*, 61, 293–303.
- Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2012). *Why nations fail: The origins of power, prosperity, and poverty*. Currency.
- Adetutu, M. O., Odusanya, K. A., Ebireri, J. E., & Murinde, V. (2020). Oil booms, bank productivity and natural resource curse in finance. *Economics Letters*, 186, 108517.
- Ali, A., Ramakrishnan, S., Faisal, F., Sulimany, H. G. H., & Bazhair, A. H. (2022). Stock market resource curse: The moderating role of institutional quality. *Resources Policy*, 78, 102929.
- Auty, R. (2002). *Sustaining development in mineral economies: The resource curse thesis*. Routledge.
- Badeeb, R. A., Lean, H. H., & Clark, J. (2017a). The evolution of the natural resource curse thesis: A critical literature survey. *Resources Policy*, 51, 123–134.
- Badeeb, R. A., Lean, H. H., & Clark, J. (2017b). The evolution of the natural resource curse thesis: A critical literature survey. *Resources Policy*, 51, 123–134. <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2016.10.015>
- Baland, J.-M., & Francois, P. (2000). Rent seeking and Resource booms, *Journal of Development Economics*, 61, 527-42.
- Belaid, F., Dagher, L., & Filis, G. (2021). Revisiting the resource curse in the MENA region. *Resources Policy*, 73, 102225.
- Belotti, F., Daidone, S., Ilardi, G., & Atella, V. (2013). Stochastic Frontier Analysis using Stata. *The Stata Journal: Promoting Communications on Statistics and Stata*, 13(4), 719–758. <https://doi.org/10.1177/1536867X1301300404>
- Böhm, F. (1989). Rule of law in a market economy. In: *Germany's social market economy: Origins and evolution* (pp. 46–67). Springer.
- Böhm, F., Eucken, W., & Grossmann-Doerth, H. (1989). The Ordo manifesto of 1936. In: *Germany's social market economy: Origins and evolution* (pp. 15–26). Springer.
- Bonefeld, W. (2012). Freedom and the strong state: On German ordoliberalism. *New Political Economy*, 17(5), 633–656.
- Bonefeld, W. (2017). *The strong state and the free economy*. Rowman & Littlefield.

- Boos, A. (2011). The theoretical relationship between the resource curse hypothesis and genuine savings. *Annual Meeting of the International Studies Association Conference*, Montreal, Quebec, Canada.
- Boyce, J. R., & Emery, J. H. (2011). Is a negative correlation between resource abundance and growth sufficient evidence that there is a “resource curse”? *Resources Policy*, 36(1), 1–13.
- Christopoulos, D., & McAdam, P. (2015). *Efficiency, inefficiency and the MENA frontier*.
- Corden, W. M. (1984). Booming sector and Dutch disease economics: Survey and consolidation. *Oxford Economic Papers*, 36(3), 359–380.
- de Medeiros Costa, H. K., & dos Santos, E. M. (2013). Institutional analysis and the “resource curse” in developing countries. *Energy Policy*, 63, 788–795.
- Deacon, R. T., & Rode, A. (2015). *Rent seeking and the resource curse. In Companion to the political economy of rent seeking*. Edward Elgar Publishing.
- Dell’Anno, R. (2020). Reconciling empirics on the political economy of the resource curse hypothesis. Evidence from long-run relationships between resource dependence, democracy and economic growth in Iran. *Resources Policy*, 68, 101807.
- Dell’Anno, R., & Maddah, M. (2022). Natural resources, rent seeking and economic development. An analysis of the resource curse hypothesis for Iran. *Macroeconomics and Finance in Emerging Market Economies*, 15(1), 47–65.
- Destek, M. A., Adedoyin, F., Bekun, F. V., & Aydin, S. (2023). Converting a resource curse into a resource blessing: The function of institutional quality with different dimensions. *Resources Policy*, 80, 103234.
- Ding, Y. (2023). Does natural resources cause sustainable financial development or resources curse? Evidence from group of seven economies. *Resources Policy*, 81, 103313.
- Dogan, E., Altinoz, B., & Tzeremes, P. (2020). The analysis of ‘Financial Resource Curse’ hypothesis for developed countries: Evidence from asymmetric effects with quantile regression. *Resources Policy*, 68, 101773.
- Elmassah, S., & Hassanein, E. A. (2022). Can the Resource Curse for Well-Being Be Morphed into a Blessing? Investigating the Moderating Role of Environmental Quality, Governance, and Human Capital. *Sustainability*, 14(22), 15053.
- Entele, B. R. (2021). Impact of institutions and ICT services in avoiding resource curse: Lessons from the successful economies. *Heliyon*, 7(2), e05961.
- Eucken, W. (1932). Structural Transformations of the State and the Crisis of Capitalism. In: *The birth of austerity: German ordoliberalism and contemporary neoliberalism* (pp. 51–72). Rowman & Littlefield.

- Foucault, M. (2008). *The birth of biopolitics: Lectures at the Collège de France, 1978-1979* (A. I. Davidson & G. Burchell, Eds.). Springer.
- Gallego, J., Maldonado, S., & Trujillo, L. (2020). From curse to blessing? Institutional reform and resource booms in Colombia. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 178, 174–193.
- Gylfason, T. (2006). Natural resources and economic growth: From dependence to diversification. *Economic Liberalization and Integration Policy*, 201–231.
- Hadj, T. B., & Ghodbane, A. (2021). Do natural resources rents and institutional development matter for financial development under quantile regression approach? *Resources Policy*, 73, 102169.
- Haggard, S., & Tiede, L. (2011). The Rule of Law and Economic Growth: Where are We? *World Development*, 39(5), 673–685. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2010.10.007>
- Haseeb, M., Kot, S., Hussain, H. I., & Kamarudin, F. (2021). The natural resources curse-economic growth hypotheses: Quantile-on-Quantile evidence from top Asian economies. *Journal of Cleaner Production*, 279, 123596.
- Havranek, T., Horvath, R., & Zeynalov, A. (2016). Natural resources and economic growth: A meta-analysis. *World Development*, 88, 134–151.
- Holden, S. (2013). Avoiding the resource curse the case Norway. *Energy Policy*, 63, 870–876.
- James, A. (2015). The resource curse: A statistical mirage? *Journal of Development Economics*, 114, 55–63.
- Karakaplan, M. U., & Kutlu, L. (2017). Endogeneity in panel stochastic frontier models: An application to the Japanese cotton spinning industry. *Applied Economics*, 49(59), 5935–5939.
- Karakaplan, M. U., & Kutlu, L. (2017). Endogeneity in panel stochastic frontier models: an application to the Japanese cotton spinning industry. *Applied Economics*, 49(59), 5935–5939.
- Karl, T. L. (1997a). *The paradox of plenty*. University of California Press.
- Karl, T. L. (1997b). *The paradox of plenty: Oil booms and petro-states* (Vol. 26). University of California Press.
- Katouzian, Homa (2016). *In Search of Long-Term Society*. Nay Publisher. (In Persian).
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2011). The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues¹. *Hague Journal on the Rule of Law*, 3(2), 220–246.
- Khan, M. A., Khan, M. A., Ali, K., Popp, J., & Oláh, J. (2020). Natural resource rent and finance: The moderation role of institutions. *Sustainability*, 12(9), 3897.
- Kumbhakar, S. C., Parmeter, C. F., & Zelenyuk, V. (2020). Stochastic frontier analysis: Foundations and advances I. *Handbook of production*

economics, 1-40.

- Kumbhakar, S. C., Parmeter, C. F., & Zelenyuk, V. (2021). Stochastic Frontier Analysis: Foundations and Advances I. In S. C. Ray, R. Chambers, & S. Kumbhakar (Eds.), *Handbook of Production Economics* (pp. 1–40). Springer Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-10-3450-3_9-2
- Li, C., Razzaq, A., Ozturk, I., & Sharif, A. (2023). Natural resources, financial technologies, and digitalization: The role of institutional quality and human capital in selected OECD economies. *Resources Policy*, 81, 103362.
- Mirfendereski, M. M., Sharifi, A., Renani, M., & Moeni, S. (2023). Compilation of petro-populism index and evaluation of populist policies on inflation rate in Iran using synthetic control method (SCM). *Journal of Econometric Modelling*, 8(2), 9-34. (In Persian).
- Mohammadi, T., Raanaei, A., & Darabi, M. (2019). The Role of Institutional Quality in the Technical Efficiency of the Selected Countries of Asia and the Middle East: Stochastic Frontier Analysis Approach. *Journal of Economics and Modeling*, 10(3), 111-138 (In Persian).
- Mohammed, J. I., Karimu, A., Fiador, V. O., & Abor, J. Y. (2020). Oil revenues and economic growth in oil-producing countries: The role of domestic financial markets. *Resources Policy*, 69, 101832.
- Nabli, M. K. (2007). Long-term economic development challenges and prospects for the Arab countries. *Breaking the Barriers to Higher Economic Growth: Better Governance and Deeper Reforms in the Middle East and North Africa*, 1–28.
- Nazeman, H., Mohammadi, T., & Raanaei, A. (2019). The Effect of Rent Leverage on Deepening the Impact of Institutional Inefficiency on Resource Curse: The SFA Approach. *Iranian Economic Development Analyses*, 7(1), 37-62 (In Persian).
- Nurkse, R. (1953). *Problems of capital formation in underdeveloped countries*. Oxford University Press.
- Nurmakhanova, M., Elheddad, M., Alfar, A. J., Egbulonu, A., & Abedin, M. Z. (2023). Does natural resource curse in finance exist in Africa? Evidence from spatial techniques. *Resources Policy*, 80, 103151.
- Ogwang, T., Vanclay, F., & van den Assem, A. (2019). Rent-seeking practices, local resource curse, and social conflict in Uganda's emerging oil economy. *Land*, 8(4), 53.
- Peres-Cajías, J., Torregrosa-Hetland, S., & Ducoing, C. (2022). Resource abundance and public finances in five peripheral economies, 1850s–1930s. *Resources Policy*, 76, 102539.
- Rahim, S., Murshed, M., Umarbeyli, S., Kirikkaleli, D., Ahmad, M., Tufail, M., & Wahab, S. (2021). Do natural resources abundance and human capital development promote economic growth? A study on the resource curse hypothesis in Next Eleven countries. *Resources, Environment and*

- Sustainability*, 4, 100018. <https://doi.org/10.1016/j.resenv.2021.100018>
- Röpke, W. (1958). *A humane economy: The social framework of the free market*. Open Road Media.
 - Rostamzadeh, P., Hoseiny, S. A., & Raanaei, A. (2022). The role of political institutions in effectiveness the financial sector; Stochastic frontier Analysis (SFA). *Economic Strategy*, 11(41), 1-24 (In Persian).
 - Rostow, W. W., & Rostow, W. W. (1990). *The stages of economic growth: A non-communist manifesto*. Cambridge university press.
 - Roy, B. C., Sarkar, S., & Mandal, N. R. (2013). Natural resource abundance and economic Performance—A literature review. *Current Urban Studies*, 1(04), 148.
 - Rüstow, A. (1932). State Policy and the Necessary Conditions for Economic Liberalism. In: *The birth of austerity: German ordoliberalism and contemporary neoliberalism* (pp. 143–149). Rowman & Littlefield.
 - Sachs, J. D., & Warner, A. (1995a). Natural resource abundance and economic growth. *National bureau of economic research*, Cambridge, Mass., USA.
 - Sachs, J. D., & Warner, A. M. (1997). Sources of slow growth in African economies. *Journal of African Economies*, 6(3), 335–376.
 - Sargolzaie, A., Lotfalipour, M. R., & Salehnia, N. (2022). Investigating the Impact of Natural Resource Rents and Good Governance on the Welfare of Developing Countries: The Welfare Curse Phenomenon and the Quantile Regression Approach. *Quarterly Journal of Applied Theories of Economics*, 9(2), 1-34 (In Persian).
 - Shahnazi, Rouhollah & Raanaei, Alireza (2017). Investigate resource curses with an emphasis on institutional inefficiency: Case Study Iran. *Economic Strategy*, 6(20) (In Persian).
 - Smith, B. (2017). Resource wealth as rent leverage: Rethinking the oil–stability nexus. *Conflict Management and Peace Science*, 34(6), 597–617 <https://doi.org/10.1177/0738894215609000>
 - Torvik, R. (2001). Learning by doing and the Dutch disease. *European Economic Review*, 45(2), 285–306.